

با مردم باشند بدست زیرا ارزاق عمومی را ترقی میدهد .
 حالا اگر این کار را دولت کرد خوب و مشروع میشود؟ خیر دولت هم این کار را بکند بدست چه دولت بکند و چه کس دیگر .
 با این ترتیب جلوی احتکار زانی شود گرفت موضوع اشتباه نشود . شما بانوین و تصویب قانون ممیزی میخواهید جلوی احتکار را بگیرید ؟ این اصل غلط است . شما فردا يك قانونی بنویسید .
 نایب رئیس - آقا عده برای مذاکره کافی نیست .
 بعضی از نمایندگان - پس جلسه ختم شود .
 نایب رئیس - عجلانته جلسه ختم میشود جلسه آتی سه شنبه دستور هم قانون ممیزی (مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
 نایب رئیس مجلس شورای ملی - طباطبائی منشی
 م. شهاب علی خطیبی

جلسه ۲۲۱
صورت مشروح مجلس سه شنبه سوم آذر ماه هزار و سیصد و چهار مطابق هفتم جمادی الاولی هزار و سیصد و چهل و چهار
 مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای تدین تشکیل گردید (صورت مجلس یکشنبه اول آذرمار را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند)
 رئیس - آقای سهرابزاده (اجازه)
 سهرابزاده - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم رئیس - آقای روحی (اجازه)
 روحی - قبل از دستور عرض دارم رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع عرض دارم (اجازه)
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - قبل از دستور عرض دارم رئیس - آقای اجائی (اجازه)
 آقا سید حسن اجائی - قبل از دستور رئیس - آقای سلطان آقا سید محمد سلطان - بنده هم قبل از دستور عرض دارم رئیس - آقای امامی (اجازه)
 امامی - در دستور عرض دارم رئیس - آقای آقامیرزا محمد خان و کیلی (اجازه)

آقامیرزا محمد خان و کیلی - اینجا آقای فرج اله خان آصف را غائبی اجازه نوشته اند در صورتی که يك هفته است بستری هستند و کمیسیون هم نوشته اند و آقای ملک هم شاید اطلاع داشته باشند لذا خوب است آقای مخبر کمیسیون اظهار بفرمایند که جزو غائبین با اجازه نوشته شوند رئیس - مع ذلك باید رسماً اجازه بخواهند .
 آقای میرزا محمد خان و کیلی - اجازه خواسته اند حاج حسن آقا ملک - در کمیسیون هم تصویب شده رئیس - اصلاح می شود . آقای هایم .
 (اجازه)
 هایم - بنده بواسطه عارضه کسالت در جلسه قبل تحصیل اجازه کرده بودم عریضه هم بمقام ریاست عرض کردم ولی بنده را جزو بی اجازه ها نوشته اند استدعا میکنم اصلاح بفرمائید رئیس - اصلاح خواهد شد . آقای عدل .
 (اجازه)
 آقا میرزا یوسفخان عدل - بنده را دیر آمده بی اجازه نوشته اند بنده عریضه عرض کردم و اجازه خواستم که بواسطه مریض داری یکساعت اجازه بدهند و نیم ساعت تأخیر شد بی اجازه نبودم . رئیس - اصلاح می شود . آقای دیبا .
 (اجازه)
 طباطبائی دیبا - در جلسه گذشته انتخاب کمیسیونها جزو دستور بود شروع هم شد نتیجه را در صورت مجلس نوشته اند رئیس - اضافه میشود . آقای افسر (اجازه)
 افسر - بنده هم قبل از دستور عرض دارم . رئیس - نسبت به صورت مجلس اعتراضی نیست ؟ (اظهاری نشد)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای سهرابزاده (اجازه)
 سهرابزاده - چون در این چند جلسه قانون ممیزی مطرح است و وظیفه هر يك از افراد ملت این است که عیوباتی اگر در این قانون می بینند و بحال رعایا و زراعت فعلی اطلاعی دارند در این موقع بدولت تذکر بدهند بنده هم نظر بوظیفه که دارم یکی از مهم ترین عیوباتی که در حال زراعت بنظرم میرسد از روی مدرک هم میتوانم ثابت کنم مرض آقایان نمایندگان محترم مبرسانم که از طرف مجلس شورای ملی بدولت و وزارت مالیه تذکر داده شود .

سابقاً رودخانه چاچرود يك عوارضی داشت که فقط برای تنظیمات تقسیم آب بود که برای سبقت جستن دهات و رعایا با هم دیگر نزاع نکنند و عبارت بود از يك مباشر و چند سوار و سالی سه چهار هزار تومان اخذ میشد مسیو مرنارد وقتی آمد و رئیس خالصه شد برای اینکه از دیاد عایداتی در نظر گرفته باشد و نمایش ، دهه يك نظامنامه نوشت که فعلاً چاپ شده و آلان در دست بنده است طریقه آب فروشی را حقیقتاً منظور نظر قرارداد و يك اصلی اتخاذ کرد که هیچ رعیتی و مالکی نمیتواند از عهده این قیمت آب بر آید .
 بالاخره رفته رفته زراعت را کنار گذاشتند .
 مثلاً نوشته شده است که حق آب به يك نهر آب در بیست و چهار ساعت پنجاه تومان در صورتی که اگر پنجاه تومان بکرمیت یا زارع بدهد با آن آب پنجاه من بذر می تواند بکارند و باید دو برابر عایدات خودش قیمت آب بدهد .
 این است که نمیکارد و مکرر خود من دیدم که یکشب اگر باران می آید و آب رودخانه زیاد میشد بمسئله هرز میدادند برای اینکه برعایا پنجاه تومان بفروشند و رعایا هم نمیخریدند و آب هرز میرفت .
 و آن موقع که مسیو مرنارد این را نوشت چندان عیبی نداشت زیرا که اگر دولت بر قیمت آب میافزود رعیت هم آزاد بود بر قیمت جنسش میافزود .
 او میگفت آب پنجاه تومان این میگفت جنس صد تومان ولی دو سه سال است که دولت در امر ارزاق کنترل دارد و در تحت نظر دولت اداره میشود ارزاق بفرش میرسد آنوقت چگونه رعیت میتواند پنجاه تومان برای يك نهر آب بدهد و رفته رفته طوری شده که هر سال میگویند بلوك اطراف تهران چیزی ندارند و رامین ۱۰ بایه چندین هزار خروار جنس باین شهر بدهد ندارد . یکی از علل بزرگ اینک رعیت حاصل نمیکارد بمقیده بنده همین است .
 دیگر اینکه در یکماه مینویسد از دهم عقب حق آب دهات اربابی داده می شود .
 خوب سنبله و میزان را رعیت چه کند؟ فئات که ندارد هفتاد روز باید گاو و بغل و رعیت بیکارتوی آفتاب بنشینند که حق آب دهات اربابی از دهم عقب شروع می شود نایبستم جوزا ؟
 خوب از جوزا بیعدرا چه کند آنوقت ماده بعد می نویسد اگر در تابستان خواست صیفی بکار دهم بول آب بدهم مالیات آب و هم آب را خریداری کند هر چه هم عایدی بود نصف کند .
 با این ترتیب هر زارعی لازم است

تابستان برویدی گردش و دست از زراعت بردارد عیوباتی دیگری هم دارد که بنده نمی خواهم وقت آقایان محترم را اشغال کنم .
 همین قدر خوب است در این موقع که قانون ممیزی مطرح است و عموم ما حتی افراد ملت میدانند این مالیاتی که فعلاً در بافت میشود کمر شکن است و روی عدالت نیست .
 خوب است وزارت مالیه هم بمیوبان خودش بی بیرود ماده بنده اینها را بیارند اصلاح کند .
 این تذکر را بنده امروز دارم اگر وزارت مالیه در نظر گرفت و رقع این ظلم و اکراد و خواست که ارزاق طهران اداره شود قهراً اگر نشد البته متوسل خواهم شد به آقایان نمایندگان عظام و خواستار خواهم شد که باینده همراهی کنند و این وضع ناگوار را حقیقتاً از رعایا بردارند رئیس - آقای روحی (اجازه)
 روحی - بنده میخواهم خاطر آقایان مخصوصاً اعضاء کمیسیون فوائد عامه را متذکر کنم که کمیانی هواپیمائی یونکرس آقایان میدانند آنها است آمده و خسارت برده است زحمت کشیده است تا با احترام قول دولت چندین آئروپلان بزرگ از آلمان تهیه دیده است شاید آیرویلانهای که جای دوازده نفر را داشت .
 بنده نمی خواهم اهمیت هواپیمائی را برای آقایان شرح دهم خاصه در مملکت ما که فاقد همه نوع وسایل تقلید هستیم پس از مدتها يك کمیانی برای ما سر و پا هواپیمائی دائره کرده است آنهم با يك مبلغ کم و صلاح نیست این موضوع در کمیسیون همین طور مسکوت بماند و يك کمیانی هم خسارت ها و زحمت هائی بکشد و بالاخره نتیجه نبرد .
 بنده میخواهم از آقایان استدعا کنم که هر چه زودتر در کمیسیون این قضیه را حل کنند یا اگر حضرات اجازه بدهند بنده تقاضا کنم بعد از قانون ممیزی جزو دستور شود و اگر حاضر نیست حاضر کنند که زودتر تکلیفش معلوم شود والا این ترتیب موجب یاس دیگران خواهد شد که نخواهند بیایند در مملکت ما يك کارهائی بکنند و وسائل راحتی زنه گانی مارا درست کنند .
 البته آقایان لطف میکنند مخصوصاً از آقایان اعضاء کمیسیون تقاضا میکنم که باین موضوع هر چه زودتر خاتمه بدهند و اگر حضرات اجازه بدهند بنده تقاضا کنم جزو دستور شود رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع (اجازه)
 حاج آقا رضا رفیع - در این ماههای

اخیر يك خبير هائی انفرادی از گيلان مبرسيد راجع به ماليات سيگار و چون جزئی بود بعرض مجلس نمی رساندم خودم شخصاً اقداماتی برای رفع ظلم از آنها می کردم .

اخیر آ يك کافندی رسیده است بامضاء پانصد شصت نفر از ملاحین وزارتین که بعرض مجلس میرسانم شرحی هم بدولت عرض کرده اند و استعفاء دارند برای اینکه ماليات دولت از بین نرود و این هم اساساً پراکنده نشوند و بیچاره نشوند و بر عا م فقرا افزوده نشود . يك کمیسیونی در رشت تشکیل شود از روسای ادارات که ببینند حرف آنها چیست .

اگر حقیقه راست میگویند با آنها مساعدت کنند و اگر خلاف میگویند به آنها جواب داده شود .

جمعی از نمایندگان - دستور .

رئیس - آقای آقا سید احمد خان اعتبار بواسطه قبول شغل دولات از نمایندگی مجلس شورای ملی کتبا استعفاء داده اند استعفا نامه ایشان بعرض مجلس میرسد .

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست جلیله مجلس مقدس شورای ملی دامت شو کته

چون در اداره تلگراف قبول شغل دولتی نموده ام بنابراین از نمایندگی مجلس مقدس شورای ملی استعفا می دارم .

رئیس - آقای افسر راجع باین وقت است ؟

افسر - بلی خواستم تذکر بدهم که بقانون انتخابات مراجعه شود چون ۴ ماه به آخر دوره بیشتر مانده و ایشان استعفا داده اند باید عوض ایشان انتخاب شود .

رئیس - آقای شیررانی

(اجازه)

شیررانی - بنده این طور در نظر دارم که اگر مطابق نظامنامه داخلی مجلس بخواهیم عمل کنیم هر نماینده قبول يك شغلی را کرد قهراً مستعفی است و استعفاى ایشان بعد از اینکه مستعفی بوده اند گمان نمی کنم چندان موردی داشته باشند و سایر آقایانی هم که شغل دولتی دارند بنده آن ها را از وکالت مجلس رسماً مستعفی میدانم .

رئیس - در این موضوع هیئت رئیسه هم تصمیمی اتخاذ کرده است و بنات به عرض آقایان برسد آن هم موافق است با همین افکاری که آقایان اتخاذ کرده اند يك موضوع دیگر هست که لازم میدانم برای يك مرتبه دیگر تذکر آ عرض کنم و آن انتخاب کسری کمیسیون ها و انتخاب کمیسیون نظام است .

البته آقایان تصدیق می فرمایند که انتخاب این کمیسیون از وظایف داخلی مجلس

است و بر طبق ماده یازدهم نظامنامه داخلی مقارن انتخاب هیئت رئیسه دائمی باید کمیسیون ها انتخاب شود تا بحال کسری کمیسیون ها و اعضاء کمیسیون نظام انتخابش بعمل افتاد .

تعمنا میکنم برای يك مرتبه دیگر چون از وظایف مجلس است اهتمام بفرمائید که این کسریها زودتر انتخاب شود و لوابح زادی مانده است و بهمین وسیله شاید تولید مشکلاتی برای کمیسیون ها بشود و در جلسه گذشته هم شروع باین امر شده است چون عدداً آقایانی که رأی داده اند اصولاً کافی نبوده است شصت و چند نفر بیشتر رأی نداده اند و اکثریت نبوده عمل بریز و زمشاعا اثر نیست .

بنابراین باید آقایان از سر شروع کنند برای دادن آقای امامی .

(اجازه)

آقای میرزا جواد خان امامی -

چند روز قبل بنده پیشنهاد کردم طرح قانونی راجع بطبیع فرهنگ آزاد جزو دستور شود چون حاضر نبود بنامش بعد از تنفس جزو دستور شود .

حالا از قرار معلوم راپرت آن از کمیسیون جدید هم گذشته و تقدیم مقام ریاست شده و چون دوسه دقیقه بیشتر کار ندارد .

استعفا میکنم آن را جزو دستور قرار دهند تا تکلیف آن معلوم شود .

رئیس - آقای دستغیب

(اجازه)

دستغیب - عرضی ندارم .

بعضی از نمایندگان - دستور .

رئیس - راجع بدستور است . آقای ضیاء .

(اجازه)

ضیاء - بنده موافقم با اینکه خبر کمیسیون مبتکرات راجع به فرهنگ آزاد جزو دستور شود ولی

رئیس - اگر موافقت نباید صحبت کنید .

ضیاء - ولی يك طرح دیگری هم راجع بطابع کتاب

(صدای زنك)

رئیس - مخلوط نکنید

ضیاء - مخلوط نیست راجع بیکی است

رئیس - نسبت بپیشنهاد آقای امامی مخالفی نیست ؟

مر ترضی قلی خان بیات - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید

بیات - چون قانون میزنی مهم است و یکی دو جلسه هم جزو دستور بوده لذا بنده عقیده دارم آن تمام شود آنوقت این را مطرح کنیم .

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای امامی آقایانی که با این پیشنهاد موافقت می فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قبول نشد راپرت اخیر کمیسیون قوانین مالیه راجع ب ماده دوم قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

کمیسیون قوانین مالیه ماده دوم قانون مالیات املاک از بابی و دو اب را ب شرح ذیل تصویب نموده راپرت آن را به مقام مقدس مجلس شورای ملی تقدیم می دارم مودی مالیات حق خواهد داشت که جنس بدهی خود سه خروار در موقع برداشت محصول نرخ متوسط همان بلوک مسعر ابر دازد .

تصیر - مقصود از مالیات جنسی گندم و جو و شلتوک است . ماده سوم عین ماده خبر نمره (د) کمیسیون سابق تصویب شد .

حائری زاده مخبر کمیسیون

قوانین مالیه - در تعقیب پیشنهاد هائی که در جلسه سابق شد کمیسیون در روز تشکیل شد از آقایانی که نظر هائی در ماده دوم داشتند غیر از آقای مدرس هیچکدام تشریف نیاورند .

آقای مشیرالدوله هم دعوت شدند اظهاراتی فرمودند و تشریف بردند ولی بالاخره از ۳ ساعت بظهر مانده تا ظهر توافق نظر بین دولت و آقای مدرس و اعضاء کمیسیون راجع باین پیشنهاد حاصل شد .

دولت اظهار میگرد که اگر خواسته باشیم جنس را تسعیر کنیم در تمام مملکت فعلاً نمی توانیم موافقت کنیم باید يك اطلاعاتی تحصیل کنیم و مطالعاتی بشود بعد راپرت بدهیم بمجلس .

از این جهت کمیسیون معتقد است که همان راپرت سابق را که دولت هم توافق نظر داشته تعقیب نکنیم . يك قدم رو باصلاح برداریم بهتر از این است که متوقف بمانیم .

رئیس - کدام راپورت را می - فرمائید ؟

مخبر - همین راپورت که قرائت شد .

رئیس - اگر مجلس موافق است آقایان نظار تشریف ببرند و شروع ب انتخاب کسری اعضاء کمیسیون ها شود .

آقا سید یعقوب - بنده عرض دارم .

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بد بختانه اسم بنده در این استقراغ استخراج شده و بنده چون ما می رویم آنجا آقایان نمی آیند .

بیانید برای بدهید حفظ انتظامات مجلس را بکنید ما که تصعیر نداریم .

رئیس - بفرمائید .

خارج انتخاب کمیسیون ها شروع شد

رئیس - آقای شیررانی (اجازت)

شیررانی - بنده برای اینکه بعضی آقایان اصرار دارند بجله این قانون بگذرد . عریض خودم راهم تعدیل کرده ام هم مختصر و استعفا میکنم آقای مخبر محترم هم توجه بفرمایند که این دو کلمه عرضی را که میکنم بلکه توافق نظری بین کمیسیون و دولت و مخالفین این لایحه حاصل بشود همان طور که عرض کردم چند دقیقه نظر را باید در این قانون رعایت کرد .

اول موضوع احتکار بود که آقایان می گفتند دولت باید جنس دار باشد تا آنکه جلو گیری از احتکار بشود این را بنده بریز هم عرض کردم مسئله احتکار يك قانونی لازم دارد .

اگر چه قانون مذهبی ما است که لازم الاجراست لیکن برای جنبه عرق آن هم باید قانونی وضع شود در هر صورت بوسیله قانون میزنی جلو گیری از احتکار نمیشود و کرد این يك مسئله .

موضوع دیگر اینکه مخالفین نمی - گویند در بعضی معمل ها ولو اینکه جنس در آنجا خیلی زیاد باشد و بشود هم دولت مالیات جنس بگیرد وضعیت آن محل طوری است که رعیت و مالک خودش محتاج بجنس است .

اینجا نمی شود مودی را مجبور کرد که حتما مالیات جنسی بدهد و در بعضی جاها هم معکوس است .

در این قضیه بنده البته به آن پر رنگی نیستم که بگویم حتماً احتیاز را در دست مالک بگذاریم .

ولی اختیار را در دست دولت هم نمیشود گذاشت آنهم اختیار استنکاف از قبول جنس مطابق آن راپرت کمیسیون که آقای مخبر آن را جزو دستور کردند رعیت این راپورت را بنده عرض کردم و يك پیشنهادی هم کردم آقای مخبر هم در خارج موافقت کردند .

چون نسبت بسه خروار جنس مالیاتی نمیشود تکلیف شده است مازاد از ۳ خروار تکلیفش معین نشد .

در این ماده نوشته شده که مودی نمی تواند ۳ خروار را تسعیر کند ولی مازاد از ۳ خروار راجه کند ؟

مسکوت است یعنی اختیار باد دولت است در هر جا دولت صلاح بداند تسعیر میکند و در هر جا صلاح نداند تسعیر نمیکند .

بنده یکی از مسائلی که سال گذشته که در گیلان رفته بچشم خود دیدم عرض میکنم .

در آنجا دولت يك انبار مفصل مشروحي تأسیس کرده که تقریباً شاید ۲۰ از مالیات هائی را که میگیرد خرج انبار کند.

آن وقت چون آنجا يك نقطه سر حدی است و حتماً باید میزان قیمت اجناس که در آنجا است در دست تاجر باشد که تأمین مسائل اقتصادی ما را بکند میزان دست مالیه انبساطه است. مالیه هم متأسفانه تاجر نیست.

يك وقت را پیش قرار می گیرد یعنی رایش قرار نمی گیرد از مرکز به اوامر میشود که پول میخواهیم.

در موقعی که داریم جنس صادر می-کنیم. کتیم یا برنج صادر میکنیم. بیخارج مملکت.

مالیه تلگراف میکند آنجا و پول میخواهد يك مرتبه درب انبار مالیه باز میشود جنس را که فلان تاجر آن جا خریده است خرواری ده تومان مالیه میفرشد خرواری ۹ تومان چون محتاج پول است یکوقتی می بیند ۱ میلیون بازار اقتصادی گیلان خسارت وارد میآورد و این جور نکات را دولت نمی تواند رعایت کند.

مانمی توانیم بدون تکلیف کتیم که رعایت بازار های دنیا را هم راجع بجنس بکنند.

ولی نتیجه این عمل این است و وقتی انباردار شده این معایب پیش می آید در صورتیکه بقیه بنده صرفه خود صرفه مردم در این است که مالیات را نقدی بگیرد برای اینکه همیشه در آنجا جنسش ترقی دارد چون سرحد است و اگر تسعیر کند صرفه بادولت خواهد بود. معکوس این هم ممکن است.

در يك کوهستانی یا جایی که بریز روز آفتی مدرس فرمودند جنس اینها بقدر فوت لایموشان است این جا حاصل چیز نیست.

در آنجا نمیشود گفت که جنس خودت را مالیات بده و برو و از يك راه دوری کتیم تهیه کن برای خودت بیآور پس چه باید کرد.

بقیه بنده البته بنده هم آنقدر بد بین نیستیم بهمه مأمورین دولت در بعضی جاهم ممکن است مأمورین قابلی داشته باشد.

ولی بطور کلی اگر فرض کنیم یعنی فرض آقای معاون محترم مالیه را باحسن ظن قانون بنویسیم در صورتیکه هیچ جای دنیا معمول نیست قانون را با حسن ظن بنویسند.

حالا فرض میکنیم مأمورین مالیه يك فرض های شخصی ندارند پس اینطور قرار میدهم که در بعضی جاها که صلاح مالیه و صلاح مودی مالیات این شد که تسعیر بکنند.

یعنی اصل تادیه مالیات جنسی باشد

صدی ۳ و نیم جنس بیرون زدند تا ۳ شروار اختیار بازمیت باشد که بتواند جنس خودش را تسعیر کند. سوماراد از ۳ خروار را تسعیر کندیم دولت و مودی مالیات را اگر تراضی حاصل شد در يك معنی تواتر تسعیر کند.

بنده يك همچو پیش نهادی کردیم چون غیر از این بنده قیافه مجلس را نمی بینم که این قانون زود بگذرد.

بنده هم مثل سایرین علاقه مندیم که این قانون زودتر بگذرد و معتقدم که يك راه حلی که طرفین قضیه را آسان کند همین است این است که يك پیش نهادی هم در این موضوع کرده ام.

رئیس آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب مخالفم

رئیس آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی: بهترین ماده که از کمیون خارج شده بقیه بنده هم ماده است چرا؟ زیرا که فرمودند احتکار واقع نمی شود ولی واقع میشود.

ما اشخاصی داریم که در ایران مملکت هستند و دارای صد هزار خروار جنس هستند.

بعضی از نمایندگان (با همهمه)

صد هزار خروار؟

(صدای زنگ رئیس)

طهرانی: بلی صد هزار خروار.

تعجب ندارم. هستند اشخاصی که صد هزار خروار جنس دارند.

(همهمه نمایندگان)

حالا اسم تسعیر بسیار خوب بنظر شما صحیح نمی آید. صد هزار خروار شیر و آفتی بود هزار خروار فرق کرد.

طهرانی: بهر صورت اشخاصی هستند که صد هزار خروار جنس قطعا در دوردست اسلام فرق نمیکند محکوم عبارت از کسی است که جنس را زیاد بر موهه سالت نگاه ندارد منتها این است که در زمان زیادی و کثرت اجناس چهل روز مینمیکند و در وقت اجناس نوزاد حالا اعم از اینکه دو خروار زیادی نگاه دارد یا ۳ خروار یا صد خروار.

اگر دولت جنس بگیرد و از زاق را در تحت تصرف خودش بنیازد آن اشخاصی که دارای املاک عمده هستند ارزاق عمومی را در بخش راجعت تصرف خودشان می آورند دریم در سنوات سابق که مثل امسال فی الجمله قعطی که پیدا شد از مقامات عالیه تا مقامات ساقه کتیم را خرواری دیست تومان فروختند ولی وقتی که دولت مثل

معدالتت آمد و اقتدار را اختیار کرد و دست خودش گرفت در معجزه سازی جاورمالکین و مستحکمین را گرفت.

پس بنا بر این حتماً باید دولت نظر در ارزاق را داشته باشد و در مقابل مالکین دکن داشته باشد که هر موقعی که مالکین بخواهند کتیم را متلا از دست تومان بدهند بچهل تومان دولت متلا بیست تومان بدهد بایست و پنج تومان بدهد که اسباب زحمت و کله ساکنین این مملکت باشد و اینکه فرمودند معنی احتکار این است که اگر دیگری بخرد و نگاه دارد.

معنی احتکار این نیست معنایش این است که زیادتر از آنچه محتاج الیه شخصی خودش است نگاه دارد برای گران فروختن این احتکار است اما اینکه عرض کردم بهترین مواد بقیه بنده این ماده است علتش این است که طبقات زارع سه قسم بیشتر نیستند. يك طبقه مالکین عمده هستند يکی مالکین متوسط و يکی هم زارعین جزء که به آنها نمیشود نام ملاک گذاشت.

زارعین جزء وقتی که میخواهند مالیات بدهند قطعاً بیش از دهن و بیانزده من نیست مالکین متوسط هم اگر عایدی ملکشان لااقل صد خروار باشد بیشتر از سه خروار نمیدهند چرا؟

بواسطه اینکه موافق صدی سهونیم یا صدی سهملکی که صد خروار عایدی داشته باشد مالک آن سه خروار و نیم مالیات میدهد وقتی که باشد سه خروار و نیم بدهد باز سه خروار را با اختیار خودش بدون پول میدهد و نیم خروار دیگرش را هم میخواهد دولت از او جنس بگیرد میخواهد تسعیر می کند.

پس بنا بر این اگر بنایم این عقیده را پیدا کنیم که زیادی از سه خروار هم اختیار دست مالیات دهنده باشد تقریباً قدری از ملاک است.

چون هر ملاکی که زیادتر از سه خروار باید مالیات بدهد جزء ملاکین عمده است و این طرف داری از ملاکین عمده است. نظر قدری از زارعین جزء یا ملاکین متوسطه.

پس بنا بر این وقتی آمدیم تعیین کردیم که سه خروار فقط ملاک حق دارد تسعیر کند آنوقت زبایدش در دست دولت است.

اینجا میگویند شاید دولت فشار بیآورد بمالک بنده میگویم آن کسیکه عایدی او زیادتر از صد خروار است همیشه مسلط بر مأمورین دولت است و مأمورین دولت همیشه از او ملاحظه می کنند یعنی اختیار با آن اشخاصی است هر وقت دلشان بخواهد اسباب فراهم می کنند تا مودر دولت تسعیر بکنند.

یعنی نفع خودشان را ملاحظه می

کنند. اگر کسی برای آنها قایده دارد تسعیر می کنند و اگر نفع آنها در جنس داشته باشد این نفع را منظور میدانند پس بنا بر این چون دولت عایدیش متعلق بمانه مستحکمین است و باید نقش به موم برسد باید در اینجا اختیار را بدست دولت گذاشت چرا؟

برای اینکه اصولاً زحمتی وارد نمی شود و از آن طرف هم نفع دولت و هم نفع عامه مملکت است بنا بر این پیشنهاد بهترین مواد است و هیچ اعتراضی هم ندارد.

رئیس آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب: از قانون میبزی رفتیم توی احتکار و معنای محکوم. محکوم چیست؟ احتکار چیست؟ موضوع احتکار يك موضوعی است علمی و این یکی از مسائل شرعیه است و موضوعی است علیحده که فعلاً در آن بحث نمیکنم. ولی موضوع مذاکره در اینست که آیا این ماده بضرر مردم یا نفع آنها تمام میشود؟ موضوع اینست و این ماده بقیه بنده برای مردم ضرر دارد.

مخبر: چرا ضرر دارد؟

دست غیب: حالا عرض میکنم آقای طهرانی رفتند توی صد هزار خروار و ده هزار خروار و دیست هزار و چند خروار بر فرض اینکه این فرمایش صحیح باشد ولی در ایران همتاش مالک کلی نیست خورده مالک هم دارد. یعنی زراعت مال خودش است.

يك ملك کوچکی دارد بادوتا گاو که برای خورا کش زراعت می کند و نسبت بآن قسمت که بفرموده خود آقا هم ضرر دارد نهایت اینست که آقا رفع ضرر را بمالک عمده که صد هزار خروار دارد نسبت دادند که اصلش این قسمت بقیه بنده سابقه بانتقام موضوع است.

بر فرض اینکه نسبت باین قسمت دفع ضرر کرده باشند ولی نسبت بآن خورده مالکی که مأمور دولت میآید سرش و تقریباً زمینیه چنین هم شده است و این اندازه هم قیمت ندارد می چسبند باو که پول بده و دولت هم مثل يك نفری که صرفه و صلاح خودش را ملاحظه می کند با آنها عمل می کند.

ماهم مردمانی هستیم که علاوه بر اینکه صرفه و صلاح دولت را باید ملاحظه کنیم صلاح مردم را هم باید در نظر بگیریم یعنی قوانینی که وضع می کنیم باید صلاح دولت و ملت هر دو باشد نه يك بازچه صلاح دولت را و نه يك بازچه صلاح ملت را منظور کنیم.

اینجا آقایان یعنی طرفین دو دلیل دارند يك طرف دلیشان اینست که می گویند دولت نباید تاجر باشد و همانطور که پرپر روز آقای مدرس فرمودند دولت

نمیاید تاجر باشد یعنی جنس بخرم و بفروش فروش باشد.

بایستی همه مالیات را نقدی کرد این يك دلیل و يك قسمت دیگر دلیل میآورند که خیر بایستی مالیات را جنس گرفت و بیشتر هم يك زمینه جوئی در دستشان آمده است و آن مسئله ارزاق است و می گویند اگر دولت جنسی داشته باشد و بچهل تومان بدهد و بچهل تومان دولت متلا بیست تومان بدهد بایست و پنج تومان بدهد که اسباب زحمت و کله ساکنین این مملکت باشد و اینکه فرمودند معنی احتکار این است که اگر دیگری بخرد و نگاه دارد.

رئیس آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب: از قانون میبزی رفتیم توی احتکار و معنای محکوم. محکوم چیست؟ موضوع احتکار يك موضوعی است علمی و این یکی از مسائل شرعیه است و موضوعی است علیحده که فعلاً در آن بحث نمیکنم. ولی موضوع مذاکره در اینست که آیا این ماده بضرر مردم یا نفع آنها تمام میشود؟ موضوع اینست و این ماده بقیه بنده برای مردم ضرر دارد.

مخبر: چرا ضرر دارد؟

دست غیب: حالا عرض میکنم آقای طهرانی رفتند توی صد هزار خروار و ده هزار خروار و دیست هزار و چند خروار بر فرض اینکه این فرمایش صحیح باشد ولی در ایران همتاش مالک کلی نیست خورده مالک هم دارد. یعنی زراعت مال خودش است.

يك ملك کوچکی دارد بادوتا گاو که برای خورا کش زراعت می کند و نسبت بآن قسمت که بفرموده خود آقا هم ضرر دارد نهایت اینست که آقا رفع ضرر را بمالک عمده که صد هزار خروار دارد نسبت دادند که اصلش این قسمت بقیه بنده سابقه بانتقام موضوع است.

بر فرض اینکه نسبت باین قسمت دفع ضرر کرده باشند ولی نسبت بآن خورده مالکی که مأمور دولت میآید سرش و تقریباً زمینیه چنین هم شده است و این اندازه هم قیمت ندارد می چسبند باو که پول بده و دولت هم مثل يك نفری که صرفه و صلاح خودش را ملاحظه می کند با آنها عمل می کند.

ماهم مردمانی هستیم که علاوه بر اینکه صرفه و صلاح دولت را باید ملاحظه کنیم صلاح مردم را هم باید در نظر بگیریم یعنی قوانینی که وضع می کنیم باید صلاح دولت و ملت هر دو باشد نه يك بازچه صلاح دولت را و نه يك بازچه صلاح ملت را منظور کنیم.

اینجا آقایان یعنی طرفین دو دلیل دارند يك طرف دلیشان اینست که می گویند دولت نباید تاجر باشد و همانطور که پرپر روز آقای مدرس فرمودند دولت

آنها قسمت عمده حاصلشان خرما است. اینرا چه کنند؟

ما نمی گوئیم نگیرند نعوذ بالله؟ البته باید مالیات بگیرند اما مالیات بگیرند که تمامش نکند فرضاً نعوذ بالله این رعیت مثل گوسفندی است که باید نانوش داد چاق بشود بعد بکشند. شما میآید این رعیت بیچاره را فقیرش میکنید است و آن مسئله ارزاق است و می گویند اگر دولت جنسی داشته باشد و بچهل تومان بدهد و بچهل تومان دولت متلا بیست تومان بدهد بایست و پنج تومان بدهد که اسباب زحمت و کله ساکنین این مملکت باشد و اینکه فرمودند معنی احتکار این است که اگر دیگری بخرد و نگاه دارد.

رئیس آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب: از قانون میبزی رفتیم توی احتکار و معنای محکوم. محکوم چیست؟ موضوع احتکار يك موضوعی است علمی و این یکی از مسائل شرعیه است و موضوعی است علیحده که فعلاً در آن بحث نمیکنم. ولی موضوع مذاکره در اینست که آیا این ماده بضرر مردم یا نفع آنها تمام میشود؟ موضوع اینست و این ماده بقیه بنده برای مردم ضرر دارد.

مخبر: چرا ضرر دارد؟

دست غیب: حالا عرض میکنم آقای طهرانی رفتند توی صد هزار خروار و ده هزار خروار و دیست هزار و چند خروار بر فرض اینکه این فرمایش صحیح باشد ولی در ایران همتاش مالک کلی نیست خورده مالک هم دارد. یعنی زراعت مال خودش است.

يك ملك کوچکی دارد بادوتا گاو که برای خورا کش زراعت می کند و نسبت بآن قسمت که بفرموده خود آقا هم ضرر دارد نهایت اینست که آقا رفع ضرر را بمالک عمده که صد هزار خروار دارد نسبت دادند که اصلش این قسمت بقیه بنده سابقه بانتقام موضوع است.

بر فرض اینکه نسبت باین قسمت دفع ضرر کرده باشند ولی نسبت بآن خورده مالکی که مأمور دولت میآید سرش و تقریباً زمینیه چنین هم شده است و این اندازه هم قیمت ندارد می چسبند باو که پول بده و دولت هم مثل يك نفری که صرفه و صلاح خودش را ملاحظه می کند با آنها عمل می کند.

ماهم مردمانی هستیم که علاوه بر اینکه صرفه و صلاح دولت را باید ملاحظه کنیم صلاح مردم را هم باید در نظر بگیریم یعنی قوانینی که وضع می کنیم باید صلاح دولت و ملت هر دو باشد نه يك بازچه صلاح دولت را و نه يك بازچه صلاح ملت را منظور کنیم.

اینجا آقایان یعنی طرفین دو دلیل دارند يك طرف دلیشان اینست که می گویند دولت نباید تاجر باشد و همانطور که پرپر روز آقای مدرس فرمودند دولت

نیست و برای او زحماتی ایجاد می کنند یا نمیکند و نتوانست موافقت کند.

يك جمله دیگر فرمایشات آقایان بود که هر چه جنس دارد بیآورد بدهد هندوانه و خربوزه و امثال اینها محصولی است که زارع عمل می آورد آیا اینها را بیآورند تعویب دولت بدهد دولت میبزی فروش یا بقالی باز کند !! این عملی نیست.

ماچیز تازه در این مملکت نمی خواستیم اجرا کنیم همان طرزى که معمولی بوده است می خواستیم بيك طریقی تعديل کنیم یعنی غلظش را میخواهیم برداریم. در این مملکت مالیاتى که رعیت می داخته دو قسم بود يك قسمتش را جنس می برداخته و يك قسمتش را نقد کنند و جو و شلتوك همیشه معمولش این بود که مالیات جنسی می برداخته اند.

خرما و کشمش و ترباک و پنبه و این نوع محصولات را همیشه تسعیر میکردند پولش را بدون مبیرواخذند البته دولت نمی توانست يك سبزی فروش و يك اداره سر کزیزی درست کند و خرمانی که تعویب میگیرد اینها را عمل بیآورد.

آقایان می فرمایند که دولت نباید تاجر باشد.

این معامله که شما بادولت میکنید او را مجبور بتجاره میکند.

مانظر داریم که اگر بشود کتیم وجو شلتوك را هم بکلی تسعیر بکنند و همه مالیات هانقدی بشود.

ولی برای آسایش مردم می بینم فاطمی هست که پول ندارند که جنسشان را تسعیر کنند و پول بدهند دولت را مجبور میکنیم که باید عین جنس از آنها بگیرد ولی همه جنسی را هم نمی شود بدون داد.

دست غیب: کاملاً خوانده ام.

مخبر: بنده این ماده را دو مرتبه می خوانم و آقا استماع بفرمایند نوشته.

مودى مالیات حق خواهد داشت جنس بدی خود را تا ۳ خروار در موقع برداشت محصول بنرخ متوسطه همان بلوك مسعراً بردارد. آقا فرمودند پول ندارد. ماهم ننگه کنیم که اگر پول ندارد حتماً بایستی تسعیر شود !! عین جنس را بدهد.

در اینجا کوشته شده حتماً باید تسعیر شود. ما بمالک اختیار دادیم که تا ۳ خروار جنس بدی خودش را تسعیر کند و پولش را بدهد و جنسش را ببرد برای آذوقه خودش نگاه دارد.

در مازادش مذاکره بود در جلسه پیش بعضی آقایان مذاکره میکردند که تمامش را حق تسعیر داشته باشد دولت هم در این باب محتاج بيك مطالعاتی بود که ببیند اینکار برای او عملی هست یا

بفرمایند.

مدرس: عرض میشود که دیروز بر حسب دعوت آقایان اعضاء کمیسیون مالیه بنده رفتم آنجا آقای میرداماد علی خان هم تشریف داشتند آقای ذکاءالملک هم تشریف داشتند مذاکره کردیم.

عمده نظر دولت این بود که ملاحظه با سختی ارزاق باید بشود که قسمی نشود که بکوفتی اختیار جنس دست مالکیر بیفتد و اسباب سختی برای مردم فراهم شود.

ما بواسطه آن ملاحظه بنظرمان آمد که يك تبصره باین پیشنهاد اضافه کنیم که اگر سالی دولت در يك جائی مقتضیات را چنین دید که موجب شد در آنجا جنس داشته باشد اگر يك همچو اتفاقی افتاد در يك جائی دولت در آنجا هائی که قریب به آنجا است حق خواهد داشت که جنس بگیرد.

آقایان فرمودند باشد تادراین مطالعه کنیم حالا بنده باز آن نظر خودم را که عرض کردم تعقیب میکنم که در دنیا ما نشنیده ایم که هیچ جا مالیات جنسی باشد. هیچ جای دنیا نیست.

اینجا هم مردم سالها قرنها عادت کرده اند مالیات نقدی.

حالا دولت اگر نظر دارند آن تبصره که دیروز عرض کردم اضافه کنند تا تأمین شده باشد حالا يك پیشنهادی هم آقا در اینجا فرمودند که شاید فی الجمله برای آن مسئله نافع باشد.

در صورتیکه مودی مالیات نباید اضافه بر ۳ خور و را هم از جنس بدی خودش بخواهد تسعیر نماید موقوف بتراضی شود.

این را هم اگر آقایان قبول دارند بنده حاضر تبدیل باین میکنم حرفی ندارم بلکه مسئله بيك طوری خاتمه بیاید.

رئیس: بنا بر این پیشنهاد موافقت می فرمایند و پیشنهاد خودتان را مسترد می فرمایند؟

مدرس: بفرمایند خواهانند تا مستعرض بشوم.

رئیس: این پیشنهاد هم قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای شیروانی

ماده ۲: بطریق ذیل پیش نهاد میکنم:

مؤیدان مالیاتى حق خواهند داشت که جنس بدی خود را تا ۳ خروار در موقع برداشت محصول بنرخ متوسطه همان محل مستعراً بردارند. در صورتیکه مودی مالیه باشد اضافه بر ۳ خروار هم از جنس بدی خود تسعیر نماید موقوف بتراضی مودی و اداره مالیه محل است.

رئیس: (خطاب بآقای مدرس) پیشنهاد خود را مسترد می فرمایند؟

مدرسین - اگر آن را قبول میکنند بکنند. این را هم بنده حرفی ندارم.

رئیس - دو پیشهاد را مخلوط نمیشود مطرح کرد بالاخره اگر باین موافقت با آن نمیشود موافقت بکنند.

مدرسین - يك تبصره نوشتیم. به پیشنهادی رأی بگیرد اگر رشد آنوقت باین رأی بگیرد.

رئیس - بنا بر این پیشنهاد آقای مدرس مطرح است آقای عدل معافید با پیشنهاد آقای مدرس

عدل - مخالف نیست يك تذکره دارم **رئیس** - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده متأسفانه باین پیشنهاد مخالفم زیرا اینجا دارد بانبار دولتی حمل میکنند هیچ معلوم نیست که انبار دولت ۶۰ فرسخ است؟ ۲۰ فرسخ است؟ چند فرسخ است؟

همه نمایندگان - صدای زنگ رئیس

رضوی - چرا می گذارید حرف بزنم؟ پیشنهاد آقای مدرس دارد که باید مودی مالیات جنس را حمل بانبار دولت بکنند دیگر نوشته که آیا دو فرسخ است ۴ فرسخ است چقدر است علاوه آن تبصره را هم می خواستند مرقوم فرمایند هنوز مرقوم نفرموده اند و این هیچ فرقی با اصل ماده ندارد.

زیرا نوشته دولت در موارد احتیاج می تواند عین گندم را بگیرد در صورتی که دولت در مواردی که احتیاج دارد مثل حالا تمام گندم مردم را هم می تواند بگیرد و دیگر محتاج باین نیست که این جا ذکر شود زیرا هر وقت دولت خودش را مردم را محتاج دید تمام جنس مردم را ضبط میکند اداره ازراق تأسیس میکند از این دو نقطه نظر بنده باین پیشنهاد مخالفم.

رئیس - آقای مخبر چه می فرمایند.

مخبر - بنده قبول نمی توانم بکنم.

رئیس - يك مرتبه دیگر قرائت می شود.

مدرسین - تأمل فرمایید این يك پیشنهاد دیگر است که عبارتش فقط اختلاف دارد.

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس تبدیل باین پیشنهاد شده است که قرائت می شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشهاد میکنم بجای ماده دوم نوشته شود:

همه ساله مودی مالیات در وقت ادای مالیات جنسی (جو گندم شلتوک) مخبر است بقیمت عادله آن بلوک در موقع برداشت معصوم بدهد یا عین جنس را در همان محل تسلیم دولت نماید.

تبصره هر گاه دولت در ولایت یا ایالتی مقتضیات لزوم داشتن جنس را بخواهد بدارد دولت است.

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - این پیشنهاد بنده او را در دست شد ولی جزء دومش را بنده مخالفم که با اختیار دولت گذاشته شود بجهت اینکه بهمان ترتیب اول خوبست ولی اختیار را بدولت گذاشتن اسباب زحمت می شود که دولت در يك ایالتی که صلاح میدانند گندم را تهیه کند.

زیرا این در واقع يك اجازه است بدولت داده می شود که هر وقت صلاح دانست تهیه کند و هر وقت صلاح دید پول بگیرد باین اختیار بنده مخالفم و بهمان ترتیب حق با مالیات دهنده باشد که از اول تکلیف مردم معلوم باشد بهتر است

رئیس - عقیده کمیسیون چیست **مخبر** - کمیسیون نمی تواند قبول کند.

رئیس - رأی می گیریم. بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس - آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شیروانی تأیید قرائت میشود. (بشرح سابق خوانده شد)

يك نفر از نمایندگان - این همان رایرت کمیسیون است.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - اینجا ایراد می شود که این جنس خبر کمیسیون است در صورتی که این طور نیست خبر کمیسیون تا ۳ خروار تکلیف را معین کرد بیشتر از ۳ خروار را مسکوت گذاشته است ممکن است بعضی مردم مسکوت قانون را بصره خود فرض کنند.

ولی بطور عموم ابهام و مسکوت ماندن قانون برای مردم مضرات در ماده قبل مالیات جنسی را اصل قراردادیم و تا ۳ خروار را برای اشخاص که نمی توانند جنس بدهند یا اینکه در کوهستانها هستند و مالیات جنسی برای آنها اسباب زحمت خواهد بود (بالاخره رعیت است و بقدر ۳ خروار برای آذوقه خودش لازم دارد) اختیار را با مودی مالیات گذاشتیم برای بیشتر از ۳ خروار باید وضعیت معلومی را ملاحظه کرد.

دولت هم با مردم طرفیتی ندارد باید دید در بعضی جا ممکن است بفتح دولت و مالک باشد در بعضی جا ها معکوس است.

یعنی باید عین جنس گرفته شود در حدود طهران تراشی بر رعیت دولت حاصل نخواهد شد.

زیرا نه برای دولت نافع می شود نه برای مردم برای دولت نافع نیست زیرا در انبار دولت که می ماند قیمتش معذور است و این بالا میرود.

در انبار مودی که می ماند مجبور است بانرخ معین ثابت فروشد.

دولت هم در طح ان جنس لازم دارد. این است که در اینجا تراشی حاصل نمی شود ولی در بعضی جاها مثل سیستان بین مودی و دولت تراشی حاصل میشود. در این صورت بنده پیشنهاد کردم که در صورتی که تراشی حاصل شد تبصره بکنند شده همان جنس را بگیرند.

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده معنی تراشی را اینجا نفهمیدم. بجهت اینکه تراشی معنی با قانون گذشتن و در مجلس مذاکره کردن نیست.

شیروانی - اینطور نیست **رضوی** - البته دولت بطور تراشی می تواند بگیرد و مالک هم در صورت تراشی می تواند از دولت یا از دیگری بخرد بنابراین تراشی معنی ندارد.

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟ **مخبر** - چون با پیشنهاد سابق کمیسیون منافاتی ندارد قبول میکنم.

بعضی از نمایندگان - يك مرتبه دیگر قرائت شود.

رئیس - يك مرتبه دیگر قرائت میشود و رأی قطعی می گیریم.

(بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد **شوشتری** - تجزیه شود **رئیس** - کجا تجزیه شود؟ **شوشتری** - تا در صورتیکه زمین های شور و بی آب دیمی غیر از درخت خرماي خیلی با قابل نالایق چیز دیگری عمل نمی آورد.

زمین های شور و بی آب دیمی غیر نیست چیزی که در آنجا بدست می آید منحصر بخرماست مقصود از این لایحه این است که برای رعیت فرج باشد.

اگر فشار بیاید والله همه فرار میکنند می روند در بنادر مشغول نمکنی می شوند در محلهای مازراعت نمی شود جنس نداریم آنجا هادرخت خرما است همه از بین می رود.

(اکثر آقایان قیام نمودند)

مخبر - تبصره باقی ماند **رئیس** - این ماده پیشنهادی در عرض ماده دوم پیشنهادی کمیسیون بوده - در خبر کمیسیون قوانین مالیه يك تبصره هست تکلیف آن تبصره هم باید معین شود (اینطور خوانده شد)

تبصره - مقصود از مالیات جنس گندم و شلتوک است

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای قشقائی رسیده است قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در تبصره ماده دوم بعد از شلتوک خرما هم اضافه شود (جمعی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - عدد دیگر از آقایان هم پیشنهاد کرده اند چون در همین زمینه این قرائت میشود.

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میشود که تبصره ماده ۲ بترتیب زیر اصلاح شود.

تبصره - مقصود از مالیات جنس گندم و جو و شلتوک خرما هست

رئیس - در واقع مقصود همان اضافه شدن کلمه خرما است آقای مخبر

مخبر - قبول نمی کنم **رئیس** - آقای قشقائی توضیح داردی بفرمایید.

اسماعیل خان قشقائی - آقای مخبر محترم کمیسیون قوانین مالیه باینکه بزرگوار خودشان از بسکه شیرین هستند منکر خرما هستند.

بنده يك نشانی میدهم که خودشان تصدیق بفرمایند - آقا جانق و بیابانک که پهلوی خودتان است غیر از خرما چه دارد.

فرمایش اینکه آقای مدرس می فرمودند تماما از روی فلسفه بود صحیح فرمودند برای اینکه فرمودند کاشجار را بیرون می آوردند و جایش چیز دیگری کار نهول خرما را که باید مثل طفل ۲۰ سال پرورش داد که بعد از ۲۰ سال نمردهد چگونه می تواند بیرون بیاورد و گندم و جو و شلتوک بکارند؟

از درخت خرماي خیلی با قابل نالایق چیز دیگری عمل نمی آورد.

زمین های شور و بی آب دیمی غیر نیست چیزی که در آنجا بدست می آید منحصر بخرماست مقصود از این لایحه این است که برای رعیت فرج باشد.

اگر فشار بیاید والله همه فرار میکنند می روند در بنادر مشغول نمکنی می شوند در محلهای مازراعت نمی شود جنس نداریم آنجا هادرخت خرما است همه از بین می رود.

برای رفاه مردم فکر فرمایند برای شخص بنده هیچ اهمیت ندارد زیرا منتهی سی تومان یا ۵۰ تومان باشد تومانی فرق میکند ولی برای رعایای خیلی ظلم است این کلمه خرما را هم استند هم میکنم اضافه کنند آقای مخبر هم قبول کنند.

مخبر - بنده عرض نکردم خرما معصوم نیست مملکت مغله دارد تریك هم دارد زرد آلو هم دارد خرما هم دارد ولی تا امروز مرسوم نبوده است که خرما

را مالیات جنس حساب کنند مالیات نقدی می پرداختند امروز ما آنجاها بیهم که جنس است میل داریم نقدی باشد چه طور ممکن است آنجاها بیهم که نقدی است بیاییم جنسی کنیم.

رئیس - رأی می گیریم با اضافه کلمه خرما بنیاید پیشنهاد آقای قشقائی و آقایان دیگر آقایانیکه قابل توجهش میدانند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد ارجاع می شود بکمیسیون. اگر آقایان موافقت می فرمایند چند دقیقه تنفس شود (جمعی از نمایندگان - صحیح است)

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از ۲۰ دقیقه مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد آقای نظامی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده دوم اضافه شود.

تبصره - مالیات قراء کوهپایه که بیش از مصارف ازراق آن محل حصول نخواهد داشت و محتاج به تهیه رتاین ازراق از خارج خواهد بود مالیات جنسی آنها معاف باشد بنرخ متوسطه آن بلوک در شهر یور ماه تسعیر خواهد شد.

نظامی - این مسئله لازم توضیح نیست اغلب آقایان می دانند که قراء کوهپایه باندازه ازراق محل فروش جنس نخواهد داشت و این مسئله باعث زحمت و خسارتی برای رعیت و ممالکین خواهد شد.

مثلا شمیران را تصور بفرمایند مودی مالیاتی شمیران ناچار است که برود از برای خودش جنس از ورامین بخرد و کرایه بدهد بیاورد.

دولت همینطور از دامغان و سمنان جنس مالیاتی خودش را بازحمت و خسارت عمل کند بیاورد در شمیران بصرف ازراق عمومی برساند.

يك خسارت و زحمتی مالک کشیده و يك خسارت و زحمتی دولت.

اگر آقای مخبر کمیسیون قبول بفرمایند گمان میکنم ضرری نداشته باشد و اگر هم قبول نکنند ناچارم برای اینکه قانون میزری معطل نشود پیشنهاد خود را پس بگیرم.

رئیس - آقای مخبر **مخبر** - این پیشنهاد را که ایشان کردند باید پس بگیرند زیرا اولاً ماده گذشت و ثانیاً اینکه نظر آقا در همین ماده نامین شده چون مودی مالیات حق داده شده که جنس مالیاتی را تا ۳ خروار تسعیر کند.

در کوهپایه هم مالکی که تا ۳ خروار مالیات بیشتر بدهد گمان نمی کنم وجود داشته باشد.

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند.

رئیس - پیشنهاد آقای عدل و قمش گذشته است ماده سوم قرائت می شود (اینطور خوانده شد)

ماده ۳ - در املاک اربابی مودی بان مکلفند مالیات جنس خود را بانبار محلی و یا نقاط دیگر که معین میشود در صورتیکه مسافت آن از ۵ فرسخ تجاوز نماید عمل نمایند کرایه حمل و نقل ۲ فرسخ اول بهمه مودیان مالیاتی و ۳ فرسخ باقی بهمه دولت است هر گاه مسافت از ۵ فرسخ تجاوز نماید ۵ مودیان مالیاتی مختارند که غله مالیاتی را در قسمت اضافی با آن کرایه حمل یا امتناع ورزند در صورتیکه وسایل حمل در ۲ فرسخ اول هم برای مودیان فراهم نشود می توانند بنرخ عادله کرایه ۲ فرسخ را پرداخته دولت خود وسایل حمل جنس مالیاتی را فراهم نمایند.

رئیس - بدو عرض کنم کمیسیون مالیه چند در ضمن رایرت خودش همین ماده که در سابق رایرت داده شده بود تصویب کرده باین جهت آن ماده قرائت شد - بعضی از آقایان که تشریف نبردند رأی بدهند تا کمیسیونها پیش از این دوچار تعویق نشود. آقای دانغانی (اجازه)

دامغانی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای میرزا محمد خان وکیل.

آقا محمد خان وکیل - در این قانون سمیزی بسکه قال و مافا شد راستی بنده متعلم کم مذاکره زیاد شود. این ماده در اینجا می نویسد حمل جنس تا ۵ فرسخ بهمه مودی مالیات است و از این فرسخ کرایه ۳ فرسخ آن را دولت باید بدهد دو فرسخ را هم مودی مالیات بدهد.

مالیات بده مکلف است که مالیات خودش را یا جنس یا نقد بدهد جنس را هم حمل کند بنده تصور میکنم کمیسیون قوانین مالیه راضی شود که این ترتیب را فراهم کنند.

یعنی جنس را بدهد پول هم بدهد حمل هم بکنند.

بنده در اینجا متقدمم که اگر این ماده را می گذاشتند دوباره تجدید نظر درش میشد با موافقت دولت شاید يك ترتیبی شود که هم قبول کنند دیگر هم پیش از این عرض نخواهم کرد.

مخبر - اگر امروز اینکار را میل داشتیم يك مالیاتی وضع کنیم حق با نماینده محترم بود که باید خیلی ملاحظه عدالت و انصاف را بکنیم.

ولی ما زیاد ما هم مالیات وضع کنیم. يك مالیاتی در این مملکت بوده است ما آمده ایم تعدیلی در آن بکنیم و اجافاتی

که بوده قدری تخفیف بدهیم حقیقاً يك مالیات جدید و تأتون جدیدی نیست.

میرزا یوسف خان عدل - جدید است.

مخبر - سابقاً معلوم بوده که دولت جنس را در يك جا انبار میکردند نقاطی که اهالیش مالیات بدهد مستند فرضاد آذربایجان از بلوک ۳۰ فرسخی مکلف بودند جنس خودشان را بیاورند بترتیب تجویل بدهند.

عدل این طور نیست **مخبر** - بدیهی است يك تفاوت قیمتی بین جنس معلوم و جنسیکه باید در تریز تجویل داده شود هست. این معامله بود تفاوت از ۵ فرسخ داشته اند تا ۱۵ فرسخ و ۲۰ فرسخ فاصله که رعایای بدبخت را مجبور میکردند برای حمل جنس.

من شنیدم در حدود سیستان از راه های دور ۴۰ فرسخ جنس را حمل میکنند بانبار دولت.

آن نقاطی که مالیات جنسی بود این معایب بوده اگر خواسته باشیم دولت را مکلف کنیم که خودش سرخرمن ها برود سهم مالیاتش را بگیرد باید تصدیق کرد که با وضعیت فعلی مملکت ماعلی نیست.

در يك بلوک که دارای ۵۰ آبادی است هر آبادی دارای بیست سی نقطه است که در آنجا گندم خرمن شده برای خرمن يك مامور مالیه معین کنند که در موقع برداشتن محصول آنجا نظارت بکنند و مالیاتش را تجویل بگیرد.

این حقیقتاً معلومی نیست. پس باید برای هر بلوک يك مرکز برای انبار دولت در نظر بگیریم.

خواستند آن تبدیاتی که پیش آمدند و تخفیف دهند حومه شهر را قرار دادند که جنسش را بهمان شکل که می آورد میدان می فرود بیاورد بانبار دولت تجویل بدهد.

این را تجدید کردند بدو فرسخ و قرار شد که اگر از ۲ فرسخ زیاد تر شد دولت کرایه بدهد و آنها جنس را حمل کنند بیاورند. این نظری بود که کمیسیون بادولت توافق نظر پیدا کرده است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای نظامی (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۳ حذف شود.

نجات - رأی ندهند پیشنهاد دیگر را حذف چه معنی دارد.

نظامی - عرض میکنم باید در قانون رعایت کرد که همه روزها اسباب زحمت برای مردم بدبخت فراهم نشود.

این قانون میزری يك انز که کمیسیون بزرگی است که ما بدست خودمان گلوی

ممالک را ناشی می دهیم ۱۰۰ باید يك کاری کنیم که مملکت در واقع رو بهوشی برود و رو به ضعف.

همین مسئله در ماده ۳ ذکر شده است بی اندازه اسباب زحمت دولت و مالکین و رعایا خواهد شد.

فردا مأمورین مالیه میگویند از فلان جا تا فلانجا دو فرسخ است ۳ فرسخ هست یا دو فرسخ و نیم است و فلانقدر نیست و همه روزها اشکالانی فراهم میآورند.

تصدیق بفرمایند مالیات از عایدی املاک گرفته میشود دیگر کرایه گرفتن مال و پول کرایه به مالک ندادن منتهی است چه صورتی دارد؟ کرایه حمل همیشه بهمه دولت بود.

بنده عقیده دارم که اگر مالیات صدی ۳ و نیم بر روی ۴ یاصدی ۴ و نیم هم بشود و کرایه ای دولت باشد بهتر است از اینکه این قید در قانون بشود.

زیرا این مسئله يك دست آویزی برای مأمورین دولت خواهد شد و چون مسافت بین قراقران معین نشده و ماخذی در دست نیست. این ماده اسباب زحمت برای مالکین و زارعین فراهم میکند که غیر از این جا دو فرسخ نیست در صورتیکه ۳ فرسخ هم بیشتر است.

از این جهت بنده از آقایان استدعا میکنم که این ماده را حذف کنند.

معاون وزارت مالیه - عرض کنم بعطف این ماده بنده اظهار موافقت نمی ندم. کتم که سهل است بر صلاح کار هم عقیده ندارم باشد.

زیرا يك مقدار از دلایلی که بر ضرورت این ماده یعنی قید آن میزان دو فرسخ لازم است آقای مخبر اظهار کردند.

ملاحظه بفرمایند مطلب درباره مواد و قوانین آنطوری که باید در خاطر آقایان تشریح شود گمان میکنم نشده.

در اداره کار ما نقشه عمل کار را در جلوی میگذاریم و مواد را باهم تطبیق می کنیم که ببینیم سبب بامری فلانطور میشود عمل بشود یا نه.

در باب حمل جنس از نقاط مختلفه بانبار دولت تا میزان ۲ فرسخ مسافت قدر مقتضی است که در عمل ما در نظر گرفته ایم.

بهین جهت است که مکرر در باب همین ماده سوم در مجلس مذاکره شد پیشنهاد هائی هم شده ما هم فکر کردیم شاید واقعا بشود موافقت کرد با این مصدبدر کمیسیونها مذاکرات زیاد کردیم. لیکن دیدیم غیر ممکن است که بشود موافقت کرد بالاخره موافقت نظر کرد کمیسیون پیدا شد که این ماده ضرورت دارد زیرا در عمل ما غیر از این نمی توانیم بکنیم.

ملاحظه بفرمایید که امروزه حوزه
تخصیص آرایه‌های مالی چنانکه اغلب آقایان
محترم دقت فرمودند عبارت است از یک
مسافت در فلان مقدار فرسخ
گاهی اوقات بزگتر گاهی کوچکتر
و اینکه نفر تحصیلدار (و فرض کنید دو نفر
هم با هم کمک کنند) برای جمع آوری جنس
را که با اختلاف در نقاط مختلفه معمول بوده
است تمام را صرف نظر کردیم.
در واقع آن چیز را که تا بحال با نام
بیگاری یا با نام دیگر معمول میشده است
در آورده ایم بیک شکل منظم مرتب معتمدی
که غالباً معمول بوده است و حقا هم باید
معمول باشد ظلم هم نیست و بر رعیت هم
هیچ تعدیلی نیست که مال اوصاف هم
است رعیت هم عادت دارد و می دانند ترتیب
اینست. جنس را بر می دارند و می دهند
بانباز دولت.
ملاحظه بفرمائید رعایت رعیت بهتر
از این نیست که ما میگوییم هر چه اضافه و
زیاد برد و فرسخ باشد گریه اش را مانند
میبرازیم.
بعضی از نمایندگان - مثلا کرات کافی
است.
مخبر - اگر چه خود من برای اینکه
میل داشتم قانون مختص باشد و تعداد مجلس
فقط تشخیص مالیات و تکلیف مالیات دهند
معلوم بشود و مواد نظامنامه قانون ممیزی
را دولت بعد مجدداً بیاورد به مجلس بعضی
مواد را مقدم بود که حذف شود.
ولی بعضی از آقایان که علاقه زیاد باین
قانون داشتند گفتند اگر این ماده حذف
شود بر ضرر مردم است برای اینکه سابقه
اینکار این است که خیلی مسائلهای پیش از
این را بدون گریه بار میگرداند و بانباز
میبردند.
همینطور نسبت بنقاط بعدی باید وسایل
فراهم کنند و جنس را بیاورند تحویل
بدهند طبیعی است که مامور مالیه نمیتوانند
مال ببرد لوازم ببرد جنس را تحویل
بگیرند قیام بکنند بعد بیاورد به انبار.
زیرا ملاحظه بفرمائید در هر بلوکی
که باید صد فقره جنس مالیاتی جمع آوری
شود و بدقت بیاورد نصف عمل تحصیلدار
و نصف تکلیف مالیات دهند هم از حیث
داشتن عده اعضاء و اجزائیکه برای
جمع آوری محصول لازمست و هم از حیث
خرچی که باید دولت برای جمع آوری
محصول بکنند تفاوت خواهد کرد. این
تفاوت خیلی هنگفت خواهد بود.
بنابراین موافقت با این ترتیب غیر
ممکن است اینست که مطلب بالصراحت در

ماده گداشته شده و پیشهاد آقای نظامی
نمایند محترم هم بر خلاف ماده گداشته
بر سرور رعایا خواهد شد.
بنا بر این صادر واقع و در مقام انصاف
(و چنانکه منظور آقایان نمایندگان است برای
رعایت رعیت) آن سی فرسخ آن سی فرسخها
آن بازنده فرسخها و آن مسائلهای بعدی
را که با اختلاف در نقاط مختلفه معمول بوده
است تمام را صرف نظر کردیم.
در واقع آن چیز را که تا بحال با نام
بیگاری یا با نام دیگر معمول میشده است
در آورده ایم بیک شکل منظم مرتب معتمدی
که غالباً معمول بوده است و حقا هم باید
معمول باشد ظلم هم نیست و بر رعیت هم
هیچ تعدیلی نیست که مال اوصاف هم
است رعیت هم عادت دارد و می دانند ترتیب
اینست. جنس را بر می دارند و می دهند
بانباز دولت.
ملاحظه بفرمائید رعایت رعیت بهتر
از این نیست که ما میگوییم هر چه اضافه و
زیاد برد و فرسخ باشد گریه اش را مانند
میبرازیم.
بعضی از نمایندگان - مثلا کرات کافی
است.
مخبر - اگر چه خود من برای اینکه
میل داشتم قانون مختص باشد و تعداد مجلس
فقط تشخیص مالیات و تکلیف مالیات دهند
معلوم بشود و مواد نظامنامه قانون ممیزی
را دولت بعد مجدداً بیاورد به مجلس بعضی
مواد را مقدم بود که حذف شود.
ولی بعضی از آقایان که علاقه زیاد باین
قانون داشتند گفتند اگر این ماده حذف
شود بر ضرر مردم است برای اینکه سابقه
اینکار این است که خیلی مسائلهای پیش از
این را بدون گریه بار میگرداند و بانباز
میبردند.
همینطور نسبت بنقاط بعدی باید وسایل
فراهم کنند و جنس را بیاورند تحویل
بدهند طبیعی است که مامور مالیه نمیتوانند
مال ببرد لوازم ببرد جنس را تحویل
بگیرند قیام بکنند بعد بیاورد به انبار.
زیرا ملاحظه بفرمائید در هر بلوکی
که باید صد فقره جنس مالیاتی جمع آوری
شود و بدقت بیاورد نصف عمل تحصیلدار
و نصف تکلیف مالیات دهند هم از حیث
داشتن عده اعضاء و اجزائیکه برای
جمع آوری محصول لازمست و هم از حیث
خرچی که باید دولت برای جمع آوری
محصول بکنند تفاوت خواهد کرد. این
تفاوت خیلی هنگفت خواهد بود.
بنابراین موافقت با این ترتیب غیر
ممکن است اینست که مطلب بالصراحت در

بفرمودند و بفرمائید که مامور مالیه
باید در وقت مأمور دولت می گوید باید
بیاورد.
این رعیت جنس را می آورد تا پنج
فرسخی در صورتیکه انبار شاید یک
فرسخ دور تر است در سر این پنج فرسخ
است و بیگار گرفتن نیست و علاوه یک
بمانند تا ببینند تکلیف گزاشان چه
می شود.
مبفرمائید دولت در هر جا نمیتواند
انبار داشته باشد برای تامین این مقصود
بیشه عقیده دارم که آوردن از صحرا بانباز
بعهد خود مالک یا رعیت باشد یعنی
در آندهیکه مالیات میدهد شخص مودی
آن جنس را انبار می کند و انبار هم مال
خودش است هر وقت دولت وسائل حمل
و نقل فراهم کرد برود در آن محل و جنس را
تحویل بگیرد این هیچ اشکالی ندارد و البته
ممکنست تراضی بشود یعنی یا معامله میکنند
و یا حمل می کنند ولی خود ما اینتر در اینجا
نوشته ایم
پس عقیده بنده اینست که در همان
دهیکه مالک یا مودی مالیات میدهد جنس را
انبار کند اگر چنانچه دولت و مالک با هم
تراضی کردند مالک حمل میکند و اگر نشد
خود دولت جنس را حمل میکند
همه جاهم این معمولست و اسباب زحمت
برای مالک و رعیت نخواهد شد اگر هم
نظری بیوش دارند بنده حاضرم که قبول
کنم خرواری پنجقران ششقران هر چه
بفرمائید از بابت گریه بدهند و الاغیر از
این اسباب اشکال بین دولت و مردم همه
روزه فراهم خواهد شد سرد فرسخ کمتر
باز یاد تر اختلاف خواهد داشت
اینست که در این قسمت اگر دولت
موافق است بنده عقیده دارم که در ماده قبده
خرواری چهارقران پنجقران از بابت گریه
داده شود و اگر اینطور نباشد اسباب زحمت
می شود بنده مخالفم
رئیس - اخذ آراء نسبت به انتصاب
کسری کمیسیون ها و کمیسیون نظام
تمام شد.
معاون وزارت مالیه - بنده با احتمال
اینکه اصرار در ابقاء این ماده حمل بر
این شود که دولت میخواهد یک استفاده
مادی هم در ضمن قانون کرده باشد عرض
میکند البته دولت نظر دارد که حتی الامکان
از عایدش کم هم باشد و به خارجش هم جهت
چیزی افزوده نشود.
این اصل مسلم را مجلس هم در نظر
دارد ولیکن در این مواد بخصوص چنانچه
قبلا هم عرض کردم منظور سهولت عمل
است.
بنده باین شرحی که قبلا عرض کردم
و تکرارش را زائدمی دانم خواستم تا کبداً
این مسئله را باستحضار خاطر آقایان
برسانم که مقصود سهولت عمل است.

بفرمودند و بفرمائید که مامور مالیه
باید در وقت مأمور دولت می گوید باید
بیاورد.
این رعیت جنس را می آورد تا پنج
فرسخی در صورتیکه انبار شاید یک
فرسخ دور تر است در سر این پنج فرسخ
است و بیگار گرفتن نیست و علاوه یک
بمانند تا ببینند تکلیف گزاشان چه
می شود.
مبفرمائید دولت در هر جا نمیتواند
انبار داشته باشد برای تامین این مقصود
بیشه عقیده دارم که آوردن از صحرا بانباز
بعهد خود مالک یا رعیت باشد یعنی
در آندهیکه مالیات میدهد شخص مودی
آن جنس را انبار می کند و انبار هم مال
خودش است هر وقت دولت وسائل حمل
و نقل فراهم کرد برود در آن محل و جنس را
تحویل بگیرد این هیچ اشکالی ندارد و البته
ممکنست تراضی بشود یعنی یا معامله میکنند
و یا حمل می کنند ولی خود ما اینتر در اینجا
نوشته ایم
پس عقیده بنده اینست که در همان
دهیکه مالک یا مودی مالیات میدهد جنس را
انبار کند اگر چنانچه دولت و مالک با هم
تراضی کردند مالک حمل میکند و اگر نشد
خود دولت جنس را حمل میکند
همه جاهم این معمولست و اسباب زحمت
برای مالک و رعیت نخواهد شد اگر هم
نظری بیوش دارند بنده حاضرم که قبول
کنم خرواری پنجقران ششقران هر چه
بفرمائید از بابت گریه بدهند و الاغیر از
این اسباب اشکال بین دولت و مردم همه
روزه فراهم خواهد شد سرد فرسخ کمتر
باز یاد تر اختلاف خواهد داشت
اینست که در این قسمت اگر دولت
موافق است بنده عقیده دارم که در ماده قبده
خرواری چهارقران پنجقران از بابت گریه
داده شود و اگر اینطور نباشد اسباب زحمت
می شود بنده مخالفم
رئیس - اخذ آراء نسبت به انتصاب
کسری کمیسیون ها و کمیسیون نظام
تمام شد.
معاون وزارت مالیه - بنده با احتمال
اینکه اصرار در ابقاء این ماده حمل بر
این شود که دولت میخواهد یک استفاده
مادی هم در ضمن قانون کرده باشد عرض
میکند البته دولت نظر دارد که حتی الامکان
از عایدش کم هم باشد و به خارجش هم جهت
چیزی افزوده نشود.
این اصل مسلم را مجلس هم در نظر
دارد ولیکن در این مواد بخصوص چنانچه
قبلا هم عرض کردم منظور سهولت عمل
است.
بنده باین شرحی که قبلا عرض کردم
و تکرارش را زائدمی دانم خواستم تا کبداً
این مسئله را باستحضار خاطر آقایان
برسانم که مقصود سهولت عمل است.

بفرمودند و بفرمائید که مامور مالیه
باید در وقت مأمور دولت می گوید باید
بیاورد.
این رعیت جنس را می آورد تا پنج
فرسخی در صورتیکه انبار شاید یک
فرسخ دور تر است در سر این پنج فرسخ
است و بیگار گرفتن نیست و علاوه یک
بمانند تا ببینند تکلیف گزاشان چه
می شود.
مبفرمائید دولت در هر جا نمیتواند
انبار داشته باشد برای تامین این مقصود
بیشه عقیده دارم که آوردن از صحرا بانباز
بعهد خود مالک یا رعیت باشد یعنی
در آندهیکه مالیات میدهد شخص مودی
آن جنس را انبار می کند و انبار هم مال
خودش است هر وقت دولت وسائل حمل
و نقل فراهم کرد برود در آن محل و جنس را
تحویل بگیرد این هیچ اشکالی ندارد و البته
ممکنست تراضی بشود یعنی یا معامله میکنند
و یا حمل می کنند ولی خود ما اینتر در اینجا
نوشته ایم
پس عقیده بنده اینست که در همان
دهیکه مالک یا مودی مالیات میدهد جنس را
انبار کند اگر چنانچه دولت و مالک با هم
تراضی کردند مالک حمل میکند و اگر نشد
خود دولت جنس را حمل میکند
همه جاهم این معمولست و اسباب زحمت
برای مالک و رعیت نخواهد شد اگر هم
نظری بیوش دارند بنده حاضرم که قبول
کنم خرواری پنجقران ششقران هر چه
بفرمائید از بابت گریه بدهند و الاغیر از
این اسباب اشکال بین دولت و مردم همه
روزه فراهم خواهد شد سرد فرسخ کمتر
باز یاد تر اختلاف خواهد داشت
اینست که در این قسمت اگر دولت
موافق است بنده عقیده دارم که در ماده قبده
خرواری چهارقران پنجقران از بابت گریه
داده شود و اگر اینطور نباشد اسباب زحمت
می شود بنده مخالفم
رئیس - اخذ آراء نسبت به انتصاب
کسری کمیسیون ها و کمیسیون نظام
تمام شد.
معاون وزارت مالیه - بنده با احتمال
اینکه اصرار در ابقاء این ماده حمل بر
این شود که دولت میخواهد یک استفاده
مادی هم در ضمن قانون کرده باشد عرض
میکند البته دولت نظر دارد که حتی الامکان
از عایدش کم هم باشد و به خارجش هم جهت
چیزی افزوده نشود.
این اصل مسلم را مجلس هم در نظر
دارد ولیکن در این مواد بخصوص چنانچه
قبلا هم عرض کردم منظور سهولت عمل
است.
بنده باین شرحی که قبلا عرض کردم
و تکرارش را زائدمی دانم خواستم تا کبداً
این مسئله را باستحضار خاطر آقایان
برسانم که مقصود سهولت عمل است.

بفرمودند و بفرمائید که مامور مالیه
باید در وقت مأمور دولت می گوید باید
بیاورد.
این رعیت جنس را می آورد تا پنج
فرسخی در صورتیکه انبار شاید یک
فرسخ دور تر است در سر این پنج فرسخ
است و بیگار گرفتن نیست و علاوه یک
بمانند تا ببینند تکلیف گزاشان چه
می شود.
مبفرمائید دولت در هر جا نمیتواند
انبار داشته باشد برای تامین این مقصود
بیشه عقیده دارم که آوردن از صحرا بانباز
بعهد خود مالک یا رعیت باشد یعنی
در آندهیکه مالیات میدهد شخص مودی
آن جنس را انبار می کند و انبار هم مال
خودش است هر وقت دولت وسائل حمل
و نقل فراهم کرد برود در آن محل و جنس را
تحویل بگیرد این هیچ اشکالی ندارد و البته
ممکنست تراضی بشود یعنی یا معامله میکنند
و یا حمل می کنند ولی خود ما اینتر در اینجا
نوشته ایم
پس عقیده بنده اینست که در همان
دهیکه مالک یا مودی مالیات میدهد جنس را
انبار کند اگر چنانچه دولت و مالک با هم
تراضی کردند مالک حمل میکند و اگر نشد
خود دولت جنس را حمل میکند
همه جاهم این معمولست و اسباب زحمت
برای مالک و رعیت نخواهد شد اگر هم
نظری بیوش دارند بنده حاضرم که قبول
کنم خرواری پنجقران ششقران هر چه
بفرمائید از بابت گریه بدهند و الاغیر از
این اسباب اشکال بین دولت و مردم همه
روزه فراهم خواهد شد سرد فرسخ کمتر
باز یاد تر اختلاف خواهد داشت
اینست که در این قسمت اگر دولت
موافق است بنده عقیده دارم که در ماده قبده
خرواری چهارقران پنجقران از بابت گریه
داده شود و اگر اینطور نباشد اسباب زحمت
می شود بنده مخالفم
رئیس - اخذ آراء نسبت به انتصاب
کسری کمیسیون ها و کمیسیون نظام
تمام شد.
معاون وزارت مالیه - بنده با احتمال
اینکه اصرار در ابقاء این ماده حمل بر
این شود که دولت میخواهد یک استفاده
مادی هم در ضمن قانون کرده باشد عرض
میکند البته دولت نظر دارد که حتی الامکان
از عایدش کم هم باشد و به خارجش هم جهت
چیزی افزوده نشود.
این اصل مسلم را مجلس هم در نظر
دارد ولیکن در این مواد بخصوص چنانچه
قبلا هم عرض کردم منظور سهولت عمل
است.
بنده باین شرحی که قبلا عرض کردم
و تکرارش را زائدمی دانم خواستم تا کبداً
این مسئله را باستحضار خاطر آقایان
برسانم که مقصود سهولت عمل است.

بفرمودند و بفرمائید که مامور مالیه
باید در وقت مأمور دولت می گوید باید
بیاورد.
این رعیت جنس را می آورد تا پنج
فرسخی در صورتیکه انبار شاید یک
فرسخ دور تر است در سر این پنج فرسخ
است و بیگار گرفتن نیست و علاوه یک
بمانند تا ببینند تکلیف گزاشان چه
می شود.
مبفرمائید دولت در هر جا نمیتواند
انبار داشته باشد برای تامین این مقصود
بیشه عقیده دارم که آوردن از صحرا بانباز
بعهد خود مالک یا رعیت باشد یعنی
در آندهیکه مالیات میدهد شخص مودی
آن جنس را انبار می کند و انبار هم مال
خودش است هر وقت دولت وسائل حمل
و نقل فراهم کرد برود در آن محل و جنس را
تحویل بگیرد این هیچ اشکالی ندارد و البته
ممکنست تراضی بشود یعنی یا معامله میکنند
و یا حمل می کنند ولی خود ما اینتر در اینجا
نوشته ایم
پس عقیده بنده اینست که در همان
دهیکه مالک یا مودی مالیات میدهد جنس را
انبار کند اگر چنانچه دولت و مالک با هم
تراضی کردند مالک حمل میکند و اگر نشد
خود دولت جنس را حمل میکند
همه جاهم این معمولست و اسباب زحمت
برای مالک و رعیت نخواهد شد اگر هم
نظری بیوش دارند بنده حاضرم که قبول
کنم خرواری پنجقران ششقران هر چه
بفرمائید از بابت گریه بدهند و الاغیر از
این اسباب اشکال بین دولت و مردم همه
روزه فراهم خواهد شد سرد فرسخ کمتر
باز یاد تر اختلاف خواهد داشت
اینست که در این قسمت اگر دولت
موافق است بنده عقیده دارم که در ماده قبده
خرواری چهارقران پنجقران از بابت گریه
داده شود و اگر اینطور نباشد اسباب زحمت
می شود بنده مخالفم
رئیس - اخذ آراء نسبت به انتصاب
کسری کمیسیون ها و کمیسیون نظام
تمام شد.
معاون وزارت مالیه - بنده با احتمال
اینکه اصرار در ابقاء این ماده حمل بر
این شود که دولت میخواهد یک استفاده
مادی هم در ضمن قانون کرده باشد عرض
میکند البته دولت نظر دارد که حتی الامکان
از عایدش کم هم باشد و به خارجش هم جهت
چیزی افزوده نشود.
این اصل مسلم را مجلس هم در نظر
دارد ولیکن در این مواد بخصوص چنانچه
قبلا هم عرض کردم منظور سهولت عمل
است.
بنده باین شرحی که قبلا عرض کردم
و تکرارش را زائدمی دانم خواستم تا کبداً
این مسئله را باستحضار خاطر آقایان
برسانم که مقصود سهولت عمل است.

پیشنهاد ماده ۳ در املاک اربابی مودیان مالیاتی مکلفند مالیات جنسی خود را بانبار محلی دولتی که معین می شود حمل و کرایه عادلانه دریافت نمایند بشرط اینکه مسافت انبار زیادتر از ۳ فرسخ نباشد .

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - کمیسیون نمی تواند قبول

کند .

عدل - بنده پیشنهاد خود را مسترد

می دارم و پای پیشنهاد آقای مدرس موافقت میکنم .

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه

بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . ماده سوم

ارجاع میشود بکمیسیون پیش نهادات دیگر

را هم اگر مقتضی بدانند بکمیسیون ارجاع

میشود . آقایان اگر موافق باشند . جلسه

را ختم میکنیم . جلسه آتی روز ۵ شنبه

۳ ساعت و نیم قبل از ظهر دستور بقیه قانون

معمری و چند فقره شهریه .

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر

ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -

سید محمد تدین

منشی م شهاب

منشی علی خطیبی

جلسه ۲۲۴

صورت مشروح مجلس

پنجشنبه پنجم آذر ماه

هزار و سیصد و چهار

مطابق نهم جمادی الاولی

هزار و سیصد و چهل و چهار

مجلس دو ساعت و یک ربع پیش از

ظهر بریاست آقای تدین

تشکیل گردید

(صورت مجلس سه شنبه سوم

آذر ماه را آقای آقامیرزا

شهاب الدین قرائت نمودند)

رئیس - آقای کازرونی

(اجازه)

کازرونی - بعد از تصویب صورت

مجلس عرض دارم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب - نطق بنده را در مسئله

خرما در صورت مجلس بطور مطلق نوشته

اند و این اسباب سوء تفاهم یا بقول دوره

چهارم سوء تسماع است بنده عرض نکردم

تمام خرماها را عرض کردم باندازه سه

خروار مثل گندم وجود شلتوک نه بطور

مطلق

رئیس - اصلاح میشود آقای یاسائی

(اجازه)